

سیاسی

یادداشت

تبعات نمایش قدرت پوتین



مهدی مظهرنیا

تحلیلگر مسائل بین‌الملل

بر خلاف بسیاری از تحلیلگران که معتقدند حمله به اوکراین به نفع روسیه است، این حمله را به نفع ایالات متحده می‌دانم، چراکه با حمله روس‌ها به اوکراین و فتح این کشور اصطکاک میان روسیه و اروپا و جهان آزاد بیشتر خواهد شد و به طور طبیعی زمینه‌های محدودسازی روس‌ها به پهنانه انتقام و برخورد با آنها،امکان گسترش نفوذ آمریکا در اروپا را پایدار می‌سازد. در ازایابی مناقشه اوکراین چند مولفه را باید مدنظر قرار دهیم. قدرت‌های بزرگ جهانی در وضعیتی قرار دارند که تجربه سال‌ها برخورد نظامی در کارنامه آنان دارای منافع معنادار و تعریف شده‌ای برای آینده نبوده است. همگی با هم هزینه پرداخت کردند و هزینه‌های بیشتر در این مسیر در نهایت بازی قدرت را در میان آنها در قرن گذشته چندان تغییر نداده است. جنگ جهانی اول و دوم و همچنین جنگ جهانی سوم در قرن بیستم در نهایت هزینه‌های گزافی را بر کتف قدرت‌های بزرگ گذاشته و آن طرفی که توانسته استفاده ببرد قدرتی بوده که جنگ‌ها را به عنوان کاتالیزور و شدت بخش گسترش جریان قدرت خود مورد بهره برداری قرار داده است که کشوری جز ایالات متحده آمریکا نیست. لذا اگر روسیه از درایت تجربی برخوردار باشد احتمال جنگ کاهش خواهد یافت. اما احتمال جنگ نیز وجود دارد چون که روس‌ها به مرزهای رودرویی نظامی وارد شده‌اند. استراتژیست‌ها می‌گویند زمانی که یک جنگ آغاز می‌شود و از نظر استراتژیک کشورها وارد مرحله نظامی می‌شوند دو گام را بر می‌دارند: اول تهدید به کاربرد نیروی نظامی و دوم کاربرد نیروی نظامی. در این راستا می‌توان گام میانی را نیز در این دو مورد در نظر داشت و سه گام را تعریف کرد: تهدید به استفاده از قدرت نظامی، نمایش استفاده از قدرت نظامی و سپس استفاده از قدرت نظامی. نمونه آن را می‌توان در اقدام اوپاما در سوریه دید؛ یعنی ابتدا تهدید به حمله موشکی و سپس وارد کردن نمایش آن به با آریکه و در نهایت توقف حمله نظامی با رسیدن به خواسته‌ها. در ماجرای سرنگونی پهپاد گلوبال هاک آمریکا توسط ایران، ترامپ نیز تا مرحله نمایش استفاده از قدرت نظامی پیش رفت. مسئولان ارشد کاخ سفید و حتی رئیس مجلس نمایندگان آمریکا در کاخ سفید حاضر شدند و در ده دقیقه پایانی دستور حمله متوقف شد.این یک نمایش است؛اوکراین نیز هم اکنون از تهدید به حمله نظامی، وارد نمایش حمله نظامی شده است. برخلاف بسیاری از تحلیلگران که معتقدند حمله به اوکراین به نفع روسیه است، این حمله را به نفع ایالات متحده می‌دانم، چراکه با حمله روس‌ها به اوکراین و فتح این کشور اصطکاک میان روسیه و اروپا و جهان آزاد بیشتر خواهد شد و به طور طبیعی زمینه‌های محدودسازی روس‌ها به پهنانه انتقام و برخورد با آنها،امکان گسترش نفوذ آمریکا در اروپا را پایدار خواهد کرد. شاید حتی از دید استراتژیست‌های آمریکایی تشکیل اوکراین شمالی و جنوبی بد نباشد؛ چیزی شبیه به کره شمالی و کره جنوبی. تا در این حالت زائده و حرفه‌ای استراتژیک در منطقه برای دخالت همیشگی غرب و پهنانه حضور در منطقه فراهم آید. این معنا چنین احتمالاتی را افزایش می‌دهد و امروز شاهد آن هستیم که حتی دولت جو بایدن، دولتی که در دهه‌های اخیر دولت قدرتمندی در تاریخ آمریکا به شمار نمی‌رود، در گزاره‌های خود تکرار کرملین را در دستور کار قرار می‌دهد. امروز پوتین نمایش قدرت می‌دهد؛ اما این نمایش قدرت می‌تواند بال‌های عقاب آمریکایی را برای پرواز در این منطقه باز کند.

گزارش

سندتحول دولت به‌زودی منتشر خواهد شد

ادامه از صفحه ۳/

را یکجانشانمی می‌دهد؛ آی‌امی توان برای این اثر هنری قیمتی تعیین کرد؟ یک اثر هنری برای هر فردی در هر عصری با هر زبان، فرهنگ و تاریخی گویا بوده و نیازی به ترجمه و توضیح ندارد.

هنرمندان کسانی را که ظرفیت‌ها و توانمندی‌های هنری دارند کشف و به آنان ابرای متمبلور کردن استعدادهای شان کمک کنند. درست است که نمی‌شود بر روی آثار هنری قیمت گذاشت اما به هر حال هنرمند برای تداوم فعالیت‌های خود نیاز به حمایت و پشتیبانی دارد. یک هنرمند نمی‌تواند اثر هنری خود را در هر کجا و به هر شکلی عرضه کند و باید سازو کاری طراحی شود که آثار هنری آن گونه که شایسته هنر و هنرمند است عرضه شوند. شکل عرضه آثار هنری باید به گونه‌ای باشد که همه آحاد جامعه با آثار هنری آشنا شوند و امکان خرید آنها داشته باشند. سفارتخانه‌های ایران در خارج از کشور، ادارات، سازمان‌ها، مراکز گردشگری و پارک‌ها و همه مراکزی که محل مراجعه عمومی مردم هستند می‌توانند مرکز برای عرضه و به نمایش گذاشتن آثار هنری باشند تا هنر بیش از پیش در بطن جامعه حضور داشته باشد.

وزارت فرهنگ و ارشاد با بهره‌گیری از نظر خود هنرمندان ساز کارهای مناسب برای رونق یافتن اقتصاد هنر طراحی‌شود و افزود: اگر از هنرمندان حمایت مناسبی صورت نگیرد و مورد بی‌مهری واقع شوند دانشجویان و هنرآموزان نیز از ادامه مسیر خود ناامید می‌شوند و این وظیفه دولت است که سازو کاری ایجاد کند تا با رونق یافتن اقتصاد هنر، هنرورزی و خلق آثار هنری نیز رونق پیدا کند. وقتی مراکز هنری گسترش یابند هنرمندان و کسانی که استعدادهای هنری دارند نیز بهتر شناخته شده و ظرفیت‌های آنان به شکل موثرتری شکوفا می‌شود. دولت باور دارد که باید با کمک و مشارکت هنرمندان برای بالندگی هرچه بیشتر هنر تلاش کرد. هنر یکی از زمینه‌هایی است که می‌تواند باعث ارتقا و تقویت روابط ملت‌ها به ویژه ملت‌های همسایه و کشورهای هم‌ای که دارای اشتراکات فرهنگی با یکدیگر هستند، شود. مقام معظم رهبری از همان سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و در دوران مبارزه کانون توجه و اجتماع جوانان طلبه و دانشجوی هنردوست بودند و علائق هنردوستانه ایشان تا امروز همچنان ادامه دارد. حضور فردی در راس نظام که هنر را خوب می‌شناسد و خوب درک می‌کند فرصت ارزشمندی برای آشنایی و ارتباط رهبر ی بیشتر عموم جامعه با هنر است. مقام معظم رهبری «جهاد تبیین» را یکی از مهم‌ترین وظایف همه آحاد اجتماع معرفی کرده‌اند و هنر یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین جلوه‌های تبیین در جامعه است که می‌توانند در یک نما و تصویر، دنیایی از حرف و مفهوم را به شکلی که برای همه قابل فهم باشد، به نمایش بگذارند.

آرمان ملی

اسماعیل گرامی مقدم در گفت وگو با«آرمان ملی»:

تغییر قانون اساسی با رفراندوم شدنی است

«جمهوری دوم» همواره مورد مطالبه اصلاح‌طلبان بوده‌است

ممکن است به سمت دو مجلسی شدن یا ایجاد نخست‌وزیری حرکت کنیم

اصلاح‌طلبان تازه‌مانی که زمینه‌بازنگری قانون اساسی ایجادنشوداز تغییر حمایت نمی‌کنند

این موضوع که تغییر قانون اساسی توسط چه کسانی صورت بگیرد دارای اهمیت است

«جمهوری دوم» نیازمند زیر ساخت‌ها و ضرورت‌هایی است

عکس: آرمان ملی /فاطمه فتاحی

پنجشنبه

سال پنجم armanmeli.ir

شماره ۱۲۳۱

۱۴۰۰.۱۱.۲۱

۵۸ رجب‌القعصر ۱۴۴۳ / ۱۰ فوریه ۲۰۲۲



آرمان ملی – احسان انصاری: اصولگرایان معتدل این روزها از ضرورت تغییر قانون اساسی و جمهوری دوم سخن می‌گویند. به نظر می‌رسد محمدرضا باهنر، علی لاریجانی و حسن روحانی از مهم‌ترین افرادی هستند که ضرورت تغییر قانون اساسی را درک کرده و به همین دلیل به دنبال تبدیل این ایده به پارادایم غالب فضای سیاسی کشور هستند. اینکه واکنش اصلاح‌طلبان که همواره خواستار تغییر قانون اساسی بوده‌اند چه خواهد بود و از سوی دیگر آیا زمینه‌های لازم برای این اتفاق وجود دارد یا خیر موضوعی است که «آرمان ملی» در گفت‌وگو با اسماعیل گرامی مقدم قائم‌مقام حزب اعتماد ملی مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. گرامی مقدم معتقد است: «اصلاح‌طلبان اگر به این باور برسند که قانون اساسی قرار است بر اساس مطالبات مردم تغییر کند در چنین شرایطی حتماً از این تغییرات استقبال خواهند کرد. اصلاح‌طلبان تازه‌مانی که زمینه‌ها برای تغییر قانون اساسی ایجاد نشود از تغییر قانون اساسی حمایت نمی‌کنند، بلکه به دنبال استفاده از ظرفیت‌های موجود قانون اساسی هستند که تاکنون مورد غفلت قرار گرفته است. در چنین شرایطی اگر نهادهای نظارتی سلیقه سیاسی را کنار بگذارند و عدالت را بین جریان‌های سیاسی برقرار کنند شاید بتوان به تغییرات مثبت در قانون اساسی خوش بین بود.» در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

« مفهوم «جمهوری دوم» که این روزها توسط برخی اصولگرایان معتدل مطرح می‌شود بیانگر چیست؟ جمهوری دوم چه تحولاتی را در دستور کار خود قرار می‌دهد؟

مفهوم «جمهوری دوم» که این روزها توسط افرادی مانند آقای باهنسر که از جمله اصولگرایان معتدل هستند مطرح می‌شود، مفهوم جدیدی نیست و در گذشته نیز مورد مطالبه اصلاح‌طلبان بوده است. ایسن مفهوم جدیدی نیست. اصلاح‌طلبان از گذشته همواره به دنبال اصلاح ساختارها و اصلاح قانون اساسی بوده‌اند و این موضوع امروز هم مورد مطالبه آنها قرار دارد. اصلاح‌طلبان خواستار بروز بودن و استفاده بهینه از ظرفیت‌های قانون اساسی بوده‌اند و همواره خواستار این نکته هستند که ظرفیت‌هایی که در قانون اساسی وجود دارد و بهینه نیست باید به‌صورت بهینه دربیاید. اصلاح‌طلبان این مطالبه را بارها مطرح کرده و هزینه‌های زیادی نیز در این رابطه داده بودند. آقای باهنر و بقیه دوستانی که این موضوع را مطرح می‌کنند در راستای کمک به جریان اصلاحات برای تغییر قانون اساسی با مشارکت مردم هستند. نکته مهم این زمینه این است که امروز کسانی از لزوم تغییر قانون اساسی صحبت می‌کنند که روزی با استفاده از همین قوانین رفقای سیاسی خود را در می‌کردند و از این قضیه نیز خرسند بودند. امثال آقای باهنر و دوستان ایشان تازه‌مانی که همین قوانین گریبان آنها را گرفت و اجازه حضور آنها را در انتخابات نداد ضرورتی برای تغییر قوانین احساس نمی‌کردند. با این‌وجود به‌محض اینکه این قوانین درباره خود آنها نیز لحاظ شد به این فکر افتادند که باید این قوانین تغییر کنند. این عده هنوز هم درباره مفهوم جمهوری دوم توضیحات کافی نداده‌اند که منظور آنها دقیقاً چیست؟ با این‌وجود برداشت من این است که منظور این افراد تغییر قانون اساسی است. تغییر قانون اساسی نیاز دارای الزامات و زیرساخت‌هایی است که هنوز فراهم نشده است. نکته حائز اهمیت در این زمینه این است که اگر قرار است قانون اساسی توسط همین افراد و با همین متشی فکری تغییر کند و مطالبات مردم در نظر گرفته نشود همین ظرفیت قانون اساسی که وجود دارد را نیز از دست خواهیم داد.

«در صورتی‌که این اتفاق رخ بدهد و قانون اساسی توسط این افسرد تغییر کند چه پیامدهای سیاسی و اجتماعی به همراه خواهد داشت؟

در این موضوع که قانون اساسی نیاز به تغییر دارد هیچ بحثی وجود ندارد و یک ضرورت است که اصلاح‌طلبان نیز مدت‌هاست این ضرورت را گوشزد کرده‌اند. با این‌وجود نکته مهم اینکه تغییر توسط چه کسانی قرار است انجام شود و به‌جای قوانین موجود چه قوانینی قرار است مورد توجه قرار بگیرد. آیا قرار است قوانین متحجرانه و بازگشت به گذشته در دستور کار بگیرد و یا قوانینی مورد توجه قرار بگیرد که مدرن باشد و متناسب با شرایط امروز جامعه در نظر گرفته شود. این موضوع تعیین‌کننده‌ای است. نمی‌توان به‌صرف ضرورت بازنگری قانون اساسی دست به تغییر زد، بلکه باید زیرساخت‌ها و چشم‌اندازهای آن را مشخص کرد و سپس این تغییرات را ایجاد کرد. اگر تغییر قانون اساسی رویه‌جو باشد و قوانینی که مانع آزادی‌های مدنی و مشارکت مردم است از بین برود به‌جای آن از قوانینی استفاده شود که آزادی‌های مدنی و سیاسی را بیشتر در زمینه‌مشارکت اجتماعی رافراهم کند. بر این باور هستم که قانون فعلی ما از تابلو و با لازم برای تحول‌خواهی و آزادی‌خواهی برخوردار است. مشکل اساسی در برداشت‌ها و اجرای قوانین است که ما با چالش‌های جدی مواجه هستیم.

در این موضوع که قانون اساسی نیاز به تغییر دارد هیچ بحثی وجود ندارد و یک ضرورت است که اصلاح‌طلبان نیز مدت‌هاست این ضرورت را گوشزد کرده‌اند. با این‌وجود نکته مهم اینکه تغییر توسط چه کسانی قرار است انجام شود و به‌جای قوانین موجود چه قوانینی قرار است مورد توجه قرار بگیرد. آیا قرار است قوانین متحجرانه و بازگشت به گذشته در دستور کار بگیرد و یا قوانینی مورد توجه قرار بگیرد که مدرن باشد و متناسب با شرایط امروز جامعه در نظر گرفته شود. این موضوع تعیین‌کننده‌ای است. نمی‌توان به‌صرف ضرورت بازنگری قانون اساسی دست به تغییر زد، بلکه باید زیرساخت‌ها و چشم‌اندازهای آن را مشخص کرد و سپس این تغییرات را ایجاد کرد. اگر تغییر قانون اساسی رویه‌جو باشد و قوانینی که مانع آزادی‌های مدنی و مشارکت مردم است از بین برود به‌جای آن از قوانینی استفاده شود که آزادی‌های مدنی و سیاسی را بیشتر در زمینه‌مشارکت اجتماعی رافراهم کند. بر این باور هستم که قانون فعلی ما از تابلو و با لازم برای تحول‌خواهی و آزادی‌خواهی برخوردار است. مشکل اساسی در برداشت‌ها و اجرای قوانین است که ما با چالش‌های جدی مواجه هستیم.

طرح صیانت تصویب‌نشده، اجرا شد

وزارتخانه‌اش از پست و تلگراف و تلفن به ارتباطات و فناوری تغییر کرده است یا اینکه بر بال تکنولوژی امروزی می‌خواهد فضای ارتباطی و فناوری را پیش ببرد. اگر چنین است چرا وضع اینترنت به این صورت درآمده است؟ طرح صیانت جز محدودیت، خیری عاید مردم نمی‌کند و محدودیتی که ایجاد می‌شود با هزینه‌های گزاف و با صرف وقت ارزشمندی است. حتی این احتمال آن را دور زد. اما در این وسط مافیای وی‌پی‌ان سود کلان می‌برند. از این همه استفاده علمی از امکانات روز اینترنت خود را به بهانه صیانت از کاربران محروم می‌کنیم به این بهانه که مثلاً فراد را افراد نابال از اینترنت استفاده بجهت می‌کنند و راه کوتاه انسداد اینترنت یا محدود کردن آن را پیاده می‌کنیم. آیا توانستیم با ویدئو، ماهواره، دیش و سسور مبارزه کنیم؟ فضای کشور را با این همه هزینه از این تکنولوژی پاک کنیم. و دیو و تلوژیون ملی ایران چرا نمی‌تواند با این همه بودجه و پرسنل از امکانات در مقابل چند رسانه برون مرزی که تعداد پرتسل آنها قابل شمارش است رقابت کند. تکنولوژی امروزی یک ابتدا دارد و یک انتها. همه رسانه‌ها همین خط سیر را دارند. شروعی و یک خروجی. اما محتوا فرق می‌کند. چرا مردم گوش به زنگ اخبار رسانه‌های برون مرزی هستند وقتی اخبار داخلی آنان را

قانع نمی‌کند سراغ اخبار بیرونی می‌روند. وقتی اینترنت داخلی کار ساز نیست و نمی‌توانیم از فرصت تلاایی فضای مجازی آنگونه که دیگر کشورها سود می‌برند، استفاده کنیم، دو حالت پیش می‌آید: یا از جهان به کلی جداو از سفره علمی مجانی پهن شده با تکنولوژی جدید محروم می‌شویم یا اینکه با صرف هزینه به صورت ناقص از بخشی از داده‌های بشری استفاده می‌کنیم. طبیعی است در این دنیای به شدت گسترده ارتباطی موضوعات و مسائل همی پیدا می‌شود که با عرف و سنت سازگاری ندارد. آی‌امی توان به کلی از دیگر امکانات و نعمات خود را محروم کرد؟ داستان بسنت مسجد به خاطر یک عرق‌خور پیش می‌آید. آیا باید مومنین را از برکت مسجد به خاطر اینکه فرد فاسد و فاسقی وارد مسجد شده‌اند، با بستن درمسجد محروم کرد؟ وزیر محترم ارتباطات راه کوتاه محدودیت را بدون تصویب طرح صیانت در پیش گرفته است و عملاً خروجی وضع موجود همان عملیاتی شدن طرح صیانت بدون تصویب آن است. این پرسش: حجاب محمد مهاجری که می‌شود چه چندان است، تکرار می‌کنم: وقتی کانال‌های ارتباطی بسته یا محدود می‌شوند، آیا به وزیر ارتباطات در کابینه نیاز داریم؟ بستن و محدود کردن که وزیر نمی‌خواهد. بر کات استفاده از امکانات امروزی و برنامه استفاده از امکانات امروزی و توسعه آن است که نیاز به مدیر دارد. ظاهراً طرح صیانت تصویب نشده، اجرایی شد.

فرارو

«آرمان ملی» گزارش می‌کند:

دوباره همان میز؛

–استقبال سرد پوتین از مکرون

◀ پیام روشنی که باید ایران بگیرد

آرمان ملی: حواشی سفر سید ابراهیم رئیسی به مسکو تمامی ندارد. دلیل بی‌پایان بودن این حواشی هم نه مخالفان دولت، که موافقان آن هستند. فاصله چند متری رئیسی با پوتین در نشست دو جانبه، عدم استقبال رسمی از رئیس‌جمهور ایران در بدو ورود، نشست پوتین روی صندلی هنگام ورود رئیس‌جمهور ایران و در مجموع استقبال سرد مسکو از تهران صدای منتقدان دولت را در آورد. آنها معتقد بودند سیاست‌های دوستانه ایران در قبال روسیه نباید اینگونه به بار می‌نشست. تمام این موارد از نظر حامیان دولت اتفاقی عادی بود و حتی مستند «سفر مسکو» توسط آنها ساخته شد تا آن سفر را به عنوان مهم‌ترین دستاورد سیاست خارجی دولت معرفی کنند. طی روزهای بعد از سفر، رسانه‌های نزدیک به دولت، هر گزارشی برای توجیه رفتار غیر دوستانه دولت روسیه منتشر کردند و کار به جایی رسید که وزیر خارجه دولت مجبور شد اعلام کند ابراهیم رئیسی ده دقیقه از جلسه با رئیس‌جمهور روسیه را به اقامه نماز گذرانده و از این اقدام به عنوان دستاورد نشست یاد کرد. رسانه‌های فارس و تسنیم نیز گزارش‌های متعددی منتشر کردند تا ثابت کنند اتفاقات دیدار رئیس‌جمهور ایران و روسیه نرمال بوده است. تنها در یک فقره از گزارش‌ها، زبان بدن پوتین را تحلیل کردند که در نشست با ابراهیم رئیسی استرس داشته و از شدت اضطراب دامن‌گراوش را صاف می‌کرده است. خبرگزاری فارس در گزارشی با عنوان «پاسخ به همه شبهات درباره سفر رئیسی به روسیه» مدعی شد دلیل فاصله چند متری روسای‌جمهور ایران و روسیه حین نشست، عدم پذیرش پروتکل‌های کرونایی روسیه توسط رئیس‌جمهور ایران بوده است. هنوز اخبار مربوط به سفر رئیس‌جمهور ایران به روسیه از یاد نرفته بود که تصاویر استقبال گرم پوتین از رئیس‌جمهور ۵زائتین منتشر شد. پوتین نه تنها اتاقی با میز ۵ متری را برای نشست مشترک با او برنویزاندن انتخاب نکرد بلکه بدون در نظر گرفتن پروتکل‌های کرونایی، همتای آرزائتینی خود را در اغوش گرفت. این ماجرا هم داشت فراموش می‌شد که امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه راهی مسکو شد. تصاویر مکرون در جایگاهی که رئیسی چند هفته پیش در آن قرار گرفته بود، جریانی را در شبکه‌های اجتماعی فعال کرد تا با باز نشر آن اتفاقات سفر رئیس‌جمهور ایران به روسیه با معمولی جلوه دهند. اما بر واضح است که قیاس این دو وضعیت مع الفارق است. چه اینکه رئیس‌جمهور فرانسه با علم به اینکه در مسکو از او استقبال گرمی نخواهد شد، راهی روسیه شده بود و حواشی مرتبط با استقبال سرد پوتین در اتاقی با میز سه متری هم پیام مشابهی داشت؛ این طول می‌زنان ندانده فاصله سیاسی میان دو رهبر بود.

◀ مقایسه رئیسی با مکرون؟

ابراهیم رئیسی با هدف امضای یک توافق بلندمدت ۲۰ ساله به روسیه سفر کرد. دستور کار اصلی این سفر مذاکره درباره قرارداد استراتژیک با مسکو بود، اما زمان سفر هم اهمیت داشت. ایران در میانه مذاکرات وین است. مقامات ایرانی به صراحت به مقامات روسی گفت‌اند روی کمک آن‌ها در مذاکرات هسته‌ای حساب کرده‌اند. رئیس‌جمهور ایران با این دستور کار راهی مسکو شده، اما از او مانند نماینده غرب بذرپایی شد.امانوئل مکرون نقش میانجی را در ارتباط بین غرب و روسیه در بحران اوکراین ایفا کرده است. رئیس‌جمهور فرانسه از یک سو با هدف روشن کردن خطوط قرمز ناتو و آمریکا برای پوتین و از سوی دیگر با هدف قانع کردن روسیه برای کاهش تنش‌ها در بحران به مسکو سفر کرده است. نزدیک به سه ماه است که روسیه وارد دعوایی با اروپا و آمریکا بر سر اوکراین شده است و برخی گزارش‌ها از احتمال لشکر کشی مسکو به اوکراین حکایت می‌کند. اتفاقی که خطرات زیادی به ویژه برای اروپا به دنبال خواهد داشت. اما می‌پوش فرض حتی قبل از سفر هم رسانه‌های غرب رفتار سرد احتمالی در مسکو را پیش‌بینی کرده بودند. نشریه تلگراف یک روز قبل از سفر مکرون به مسکو نوشته بود «این ماهوریت با هدف میانجی‌گری بین مسکو و غرب ترتیب داده شده و پوتین ممکن است مکرون را بشورد و پهن کند تا خشک شود.» پیش‌بینی‌ها درست بود. نشست در همان جایگاه میز ۳ متری انجام شد. در طول مذاکره امانوئل مکرون که از نحوه استقبال سرد طرف مقابلش آگاه بود، بدون تعارفاتی بی‌دلیل اخم‌هایش را در هم کشیده بود. مذاکرات با یک نشست خبری به اتمام رسید. طرفین از هیچ توهینی به طرف مقابل فروگذار نکردند. پوتین در نشست خبری گفت: «ناټو به روسیه می‌گوید ما یک سازمان صلح‌جوی دفاعی هستیم؛ اما جان عراقی‌ها، لیبیایی‌ها و افغانستانی‌ها نشان داده این ادعا چقدر واقعیت دارد. کشورهای ناتو فکر می‌کنند می‌توانند به ما یاد بدهند چه چقدر ناخوشایند و چه چقدر ناخوشایمان را مستقر کنیم.» مکرون هم گفت «ما یک پاسخ جمعی به وضعیت اوکراین خواهیم داد. کشورهای اروپایی به همراه متحدان آمریکا توان همکاری‌شان را به همه جهان نشان داده‌اند.»